

## کلاس اول تدریس نکنید اگر انضباط آهنین می‌خواهیم

### گفت و گو با فاطمه عسگری، معلم مجرب پایه اول ابتدایی

زهره کریمی

#### اشاره

در تعریفی از علم گفته شده استفاده از تجارب مستند و اعتباربخشی شده توسط افراد می‌باشد؛ بدین جهت تجربه‌های آموزشی و مدیریتی می‌تواند راهکارهای مناسبی از آزمون مباحث نظری برای ما ارائه نماید. بدین لحاظ گفت‌وگوی زیر با یکی از معلمان مجرب پایه اول ابتدایی که علاوه بر تحصیلات مرتبط، ۲۸ سال در پایه اول ابتدایی به آموزش فرزندان ما اشتغال داشته‌اند می‌نشینیم ارائه می‌شود.

#### ■ لطفاً خودتان را معرفی کنید.

● فاطمه عسگری هستم، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه خوارزمی. ۲۸ سال است که در پایه اول تدریس می‌کنم. همزمان منتخب همکاران ابتدایی بودم. حدوداً سه سال در منطقه ۱۹ و پنج سال در استثنایی رابط کودکان ناشنوای جسمی و حرکتی در مدارس عادی و استثنایی بوده‌ام. یک‌سال نیز درمانگر اختلالات یادگیری بودم و همزمان عضو گروه تألیف کودکان پیش‌دبستانی، به‌عنوان پیش‌نیاز ورود به دبستان. از سال ۸۲ تا الان هستم روند آموزش خیلی فراز و نشیب داشته و من به این نتیجه رسیده‌ام در حال حاضر که با امکانات موجودی که داریم فقط و فقط اولیا هستند که می‌توانند در امر آموزش همراه ما باشند. اگر می‌خواهیم به آموزش اثربخش برسیم باید ارتباط متقابل مؤثری با اولیا داشته باشیم. من شروع کارم از اسلام‌شهر بود. ولی بعداً به منطقه ۱۹ آمدم و بعد از آن نیز در استثنایی مناطق ۶، ۲، ۵، ۱ را پوشش می‌دادم. در حال حاضر هم در منطقه ۶ دبستان شاهد تقوایی‌ها هستم.

چالش‌های کلاس اول را تا آنجایی که امکانش بوده حس کرده‌ام و در تمام این چالش‌ها متوجه شده‌ام که بدون حضور اولیا به موفقیت کامل در یادگیری نمی‌توان رسید. اولیا باید همگام و همراه معلم باشند و این در صورتی اتفاق خواهد افتاد که ما این همکاری و ارتباط مؤثر را داشته باشیم.

ما می‌گوییم در عصر ارتباطات کسی موفق است که بتواند خوب ارتباط برقرار کند؛

یعنی اینکه من بتوانم به‌عنوان یک معلم در دل دانش‌آموزم اعتماد ایجاد کنم و به‌عنوان یک مادر، فرزندم نیز به من اعتماد داشته باشد و بتواند به‌راحتی ابراز علاقه کند و احساساتش را نشان دهد.

#### ■ خانم عسگری، آیا شما در این سال‌ها همواره معلم کلاس اول بوده‌اید؟

● بله، چون رشته تحصیلی‌ام در مرکز تربیت معلم رشته آموزش ابتدایی بود.

#### ■ شما ویژگی‌های دانش‌آموز دوره ابتدایی را چه می‌دانید؟

● اول بگویم که حضرت علی (ع) به یکی از یارانش به‌نام کمیل می‌فرمایند: «ای کمیل، برای انجام هر کاری به شناخت و کسب معرفت نسبت به آن نیازمند هستی.» با توجه به این سخن من به‌عنوان معلم باید مخاطب خودم را که در دوره ابتدایی می‌شوند ۷ تا ۱۲ ساله‌ها بشناسم. به‌عنوان مادر فرزند ۷ ساله‌ام خودم را بشناسم که او چه ویژگی‌هایی دارد از نظر جسمی، ذهنی، عاطفی. در این دوره سنی تغییرات شگفتی در کودکان هست، چرا؟ چون با قدم گذاشتن از خانه به مدرسه محیط اجتماعی کوچکی که داشتند وسعت پیدا می‌کند و ارتباطات بین‌فردیشان بیشتر می‌شود و از آن ارتباطاتی که



شما به عنوان اولیا موظف هستید آن را در خودتان تقویت کنید. کتاب بخوانید، مشاوره بروید، و با معلم و مشاور مدرسه صحبت و همفکری کنید. زیرا فرزند شما گلی از گل‌های بهشت است و شما باید گلدان خوبی برای این گل باشید. باید با حوصله و مهربانی حس آرامش و انعطاف‌پذیری دلتان را به وسعت دریا کنید تا کشتی دانش‌آموز کلاس اولی با آرامش و سلامت به ساحل مقصود برسد.

**آیا اگر این ویژگی‌ها را بدانیم به نیازها هم پی خواهیم برد؟**  
 بله. من نیازها را از زبان کودک می‌گویم. اما اول به مکتب اسلام اشاره می‌کنم که بر انتظارات و تکالیف و وظایف و حقوق افراد خیلی تأکید دارد.

من ۱۰۰ مورد انتظارات دانش‌آموز از اولیا و مربیان را پیدا کردم که در اینجا به ۲۱ مورد اشاره می‌کنم:

- ☺ با من براساس اصول انسانی و درست رابطه برقرار کنید،
- ☺ با من با شکیبایی و بردباری رفتار کنید،
- ☺ مرا همین‌طور که هستم بپذیرید،
- ☺ من و ویژگی‌هایم را بشناسید،
- ☺ موانع را از سر راه رشد و شکوفایی همه‌جانبه من بردارید،
- ☺ متناسب با سن و توانایی و محدودیت‌هایم با من رفتار کنید،
- ☺ به من اعتماد داشته باشید و با من صادقانه رفتار کنید،
- ☺ با من شمرده، آرام و سلیس صحبت کنید،
- ☺ به نیازهای جسمی، روانی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی من توجه کنید،
- ☺ به حرف‌های من با علاقه و فعالانه گوش دهید،
- ☺ برای من یک برنامه منظم و مناسب تهیه و اجرا کنید،
- ☺ برای من شعر و قصه‌های کودکانه بخوانید،
- ☺ با من بازی و ورزش کنید،
- ☺ مرا تحقیر نکنید و هرگز با کودک دیگری مقایسه نکنید،

فقط شامل بستگان درجه یک می‌شد خارج می‌شوند و محیط هم بزرگ‌تر می‌شود. گروه بزرگ هم‌سالان، مدیر، معاون و معلم به وجود می‌آید و ...

ویژگی‌های دیگرشان هم مهم است مثلاً قد بچه‌ها معمولاً ۱۱۰ تا ۱۲۰ است و خیلی میان دختر و پسر فرقی نمی‌کند. بعد وزن و پوسیدگی دندان‌هاست که معلم باید به همه این‌ها توجه کند. همین‌طور مادر هم باید توجه داشته باشد. در این سن بچه‌ها پر از انرژی و پر جنب‌وجوش و چالاک هستند. یک‌جا نمی‌توانند بنشینند. ویژگی‌های عاطفی و اجتماعی هم خیلی مهم است و جزو مهم‌ترین ویژگی‌هاست و باید روی آن توقف داشته باشم. معتقدم اضطراب و تنش آفت هر گونه یادگیری است. دانش‌آموز کلاس اول روحیه‌ی خیلی حساسی دارد. از هر گونه شماتت و تحقیر و تمسخر به‌شدت می‌رنجد، عصبی می‌شود و آن را نوعی تهدید علیه خودش می‌داند. وقتی من این نکات را بدانم مراقب هستم که دانش‌آموز را در این شرایط قرار ندهم. خب حالا این دانش‌آموز کلاس اول من که فردی چالاک و فعال است، جنگ و گریز را بخشی از حقوق خودش می‌داند. من هم به‌عنوان معلم و هم به‌عنوان مادر باید از آن خصلت و شور و شوق طوری استفاده کنم که بچه بیاید در مسیر آموزش و یادگیری قرار گیرد. حالا این یادگیری در درجه‌ی اول مهارت‌های زندگی است و بعد خواندن و نوشتن یا محتوای کتاب‌ها. پس باید یک رابطه‌ی دوستانه بین کودک ۷ ساله و اولیای خودش و معلم خودش باشد. در رابطه با ویژگی‌های ذهنی می‌توانم بگویم که در دوره‌ی ابتدایی کودک به تدریج مهارت‌های خودش را منظم می‌کند و یاد می‌گیرد، ولی همچنان در مرحله‌ی عملیات ذهنی است یعنی مسائل انتزاعی را نمی‌تواند درک کند پس من باید بدانم که در حیطه‌ی عملیات ذهنی که با دانش‌آموزان کار می‌کنم کارم عینی باشد، مخصوصاً در دروسی مانند ریاضی.

### می‌شود مثال بزنید؟

بله. ما اول می‌گوییم بچه‌ها اول از انگشتان‌تان کمک بگیرید که کاملاً ملموس و عینی است. بعد از شکل و ابزار می‌گوییم و در نهایت می‌گوییم بچه‌ها بیایید به جمع‌های شانه‌ای برسیم. این می‌شود همه‌ی آن چیزی که من از دانش‌آموزم در مرحله‌ی رشد ذهنی می‌خواهم و طبقه‌بندی آن تفاوت‌ها و شباهت‌ها قسمتی از کار من است. من خدمت همکاران خودم و عرض می‌کنم که اگر کم‌حوصله‌اید، اگر عصبی و عجول هستید، اگر سروصدا و بی‌نظمی آزارتان می‌دهد، اگر طرفدار انضباط آهنین هستید، اگر دلی به وسعت دریا ندارید و ... لطفاً در کلاس اول تدریس نکنید. به اولیا هم به‌عنوان یک مادر می‌گویم که خواهش می‌کنم ویژگی‌های گروه سنی فرزندتان را بشناسید. اگر هر کدام از مواردی را که گفتیم در شما وجود ندارد

- از نظر سن، جنس و قد به من لباس مناسب بپوشانید،
- به من کمک کنید تا رفتارهای درست را از نادرست بازشناسم و رفتارهای درست را تشویق کنید و رفتارهای نادرست را با مهربانی اما جدی بیان کنید،
- اعتماد به نفس و خودتصمیم‌گیری را به من یاد دهید،
- چگونه استفاده کردن از وسایل زندگی و چگونه فکر کردن را به من یاد دهید،
- درست حرف زدن و درست شنیدن و درست برخورد کردن با محیط اطرافم را به من یاد دهید،
- به من فرصت مشارکت در بازی‌های گروهی و فعالیت‌های دسته‌جمعی را بدهید،
- مرا دوست بدارید و در حد اعتدال به من محبت کنید.

### ■ این موارد را شما خودتان استخراج کردید یا از منبعی استفاده کردید؟

- من از منابع مختلفی استفاده کردم. چون از سال ۷۴ که معلم شدم به دنبال کشف این روابط بودم
- ما در بحث آموزش باید تفاوت‌های یادگیری را جدی بگیریم. در واقع فکر می‌کنم هر معلم کلاس اولی این روند را خواسته و ناخواسته دنبال می‌کند. یک آموزش عمومی دارد برای ۳۰ تا ۴۰ تا دانش‌آموز بعد در قسمت ارزشیابی مرحله‌ای در کلاس برای هر دانش‌آموز جداگانه بالای سرش آموزش می‌دهد. خوشبختانه وقتی ارزشیابی مدارس به صورت توصیفی درآمد، تمرکز فقط به سمت آموزش رفت. ما در هر کلاس ۳ تا ۴ دانش‌آموز داریم که ساختار ذهنی آن‌ها متفاوت است.

من از اوایل کارم عادت دارم که در مهرماه هر ۱۰ روز یک بار یک جلسه با اولیا می‌گذارم تا ارتباط ما محکم شود و بازخورد بگیرم. قبل از آن هم یک جلسه در شهر یور می‌گذارم که بچه‌ها را بشناسم و اولیا هم مرا بشناسند. چون باید نگرانه‌ها را آموزش بدهم اول به اولیا آموزش می‌دهم که با ساختار کتاب آشنا شوند تا بدانند بچه‌شان در مدرسه چه یاد می‌گیرد.

### ■ در این جلسات مهم‌ترین توصیه شما به اولیا چیست؟

- اولین توصیه‌ام این است که سخنی با دانش‌آموز و سخنی با اولیا را در اول کتاب فارسی بخوانیم و فارسی بنویسیم بخوانند. این به آن‌ها خیلی کمک می‌کند که اهداف کتاب را بشناسند و بیشتر از آن از معلم و بچه نخواهند، چون یک معلم ماهر طبق اصول و اهداف کتابش با دانش‌آموز رفتار می‌کند.

### ■ مشکلات آموزشی شایع در بین دانش‌آموزان چیست که

اطلاع والدین از آن‌ها باعث تسهیل یادگیری شود؟

- اولین مشکل از نظر من همان دلهره دانش‌آموز است. این دلهره ممکن است به دلیل جدایی از خانه یا مشکلات داخل خانه یا عدم ارتباط دانش‌آموز با معلم یا عدم ارتباط او با گروه همسالان باشد. دلهره مانع یادگیری می‌شود. ارتباط معلم و اولیای دانش‌آموز باعث می‌شود که کوچک‌ترین تغییر رفتار را چه در خانه چه در مدرسه به هم اطلاع دهند و متوجه شوند که مشکلی در حال اتفاق افتادن است و سپس آن مشکل را با راهکارها و یا حتی با استفاده از متخصص حل کنند. من از بچه‌ها در اولین دیدار در شهر یور چند تا تست ساده می‌گیرم. مثلاً می‌گویم دخترم از اینجا تا در کلاس لی لی برو!

### ■ مشکل دلهره را چگونه با خانواده حل می‌کنید؟

- اول باید شما اطلاعات کامل در رابطه با خانواده آن دانش‌آموز داشته باشید. چون معمولاً اولیا در پرورنده فرزندشان چیزی در مورد شرایط خانوادگی نمی‌نویسند. من این‌گونه سؤالاتم را در جلسه حضوری از اولیا می‌پرسم. مثلاً کی راه افتاد؟ کی صحبت کرد؟ و مشکلاتی که باید بدانم؛ مثلاً از نظر ظاهری. یا آیا بیماری خاص دارد؟ آیا در خانه خجالتی است؟ چندمین فرزند خانه است؟ ... در جلسه حضوری با اولیا در چک‌لیستی که به آن‌ها می‌دهم هم آن را پر می‌کنند و برای من توضیح می‌دهند.

### ■ پس شما در وهله اول از خانواده می‌خواهید که اطلاعات روان‌شناختی و ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزشان را به شما بدهند؟

- بله.

### ■ انتظار بعدی‌تان از خانواده‌ها چیست؟

- این است که وقتی دانش‌آموزی را می‌بینم که در بازی‌هایی که می‌گویم بچه‌ها به صورت انفرادی انجام دهند، و متوجه بعضی اختلالات دانش‌آموز می‌شوم و به والدین او می‌گویم که تا ۱۰ مهر فرصت دارند با بچه این بازی‌ها را انجام دهند؛ و خیلی هم تأثیرگذار است، این دستور را عمل کنند. مورد بعدی که از دلهره دانش‌آموز کم می‌کند برچسب داشتن همه وسایل اوست. این سبب می‌شود وسایل او گم نشود. یعنی مانع از دلوپسی او می‌شود.

### ■ پیشنهاد شما به عنوان معلم کلاس اول برای آمادگی والدین برای بازگشایی مدارس در اول مهر چیست؟ (البته به فرض اینکه امسال بازگشایی شوند)

- من به عنوان معلم باید در درجه اول خودم از بازگشایی مطمئن باشم، چون فردی که دانش دارد خودش اضطراب کمتری دارد و می‌تواند محکم پیش برود و می‌تواند به دیگران آرامش دهد. پس آموزش و پرورش باید همکاران

را از این سردرگمی خارج کند و بگوید همکار گرامی شما باید از اول مهر بروید سر کلاس؛ پس مثل سال‌های گذشته طرح درست را بنویس و خودت را آماده کن و این آمادگی را به والدین هم بدهد که کم‌کم بچه‌ها را آماده کنند برای رعایت نکات بهداشتی. مثلاً بچه‌ها را از الان پارک ببرند تا تمرین کنند که ماسک را روی صورتشان نگه دارند. یا نحوه استفاده از محلول ضد عفونی کننده را یاد بگیرند و بر آن‌ها نظارت داشته باشند.

### ■ توصیه شما برای گذاشتن خوراکی یا مثلاً آب برای بچه توسط والدین چیست؟

من فکر می‌کنم مهم‌تر از همه این‌ها سرویس بهداشتی است که باید برایش فکری شود. چون من سال‌هاست به بچه‌ها می‌گویم که یک لقمه صبحانه داشته باشید و یک بطری آب هم داشته باشید. چون دانش آموز کلاس اول هر وقت احساس تشنگی کرد باید آب بخورد، اما برای خوراکی باید اجازه بگیرد. لقمه صبحانه همان اول صبح خورده می‌شود. هر نیم‌ساعت یک‌بار هم وقت استراحت کوتاه به بچه‌ها می‌دهم و می‌گویم یک چیزی بخورند. همیشه یک ظرف شکلات هم هست که وقتی بچه‌ها فعالیتی انجام می‌دهند به آن‌ها می‌دهم. چون معتقدم امکان دارد قند خون بچه‌ها بیفتد. من فکر می‌کنم هر دانش‌آموز باید جعبه خوراکی مخصوص خودش را داشته باشد و با خودش بیاورد. نباید از شکلات من استفاده کند که همه دست‌ها توش می‌رود!

به‌طور کلی من فکر می‌کنم برای سرویس بهداشتی مدارس باید کار ویژه‌ای انجام شود. مثلاً از اولیا کمک بگیرند یا حتی یک نیروی اضافه بگیرند که آن را بعد از استفاده بلافاصله ضد عفونی کند. در رابطه با بازی در حیاط مدرسه هم چون بازی روح آموزش است و محال است که شما بخواهید بازی و آموزش را از هم جدا کنید و انتظار داشته باشید که تثبیت آموزش اتفاق بیفتد، بنابراین اگر از الان اولیا بچه‌ها را ببرند پارک تا با همسالانشان بازی را یاد بگیرند قطعاً در زنگ تفریح هم مشکلی پیش نمی‌آید.

### ■ قبل از شروع مدرسه به نظر شما چند جلسه لازم است که اولیا بیایند مدرسه و چه آموزش‌هایی لازم است که به آن‌ها داده شود؟

ما سال گذشته جلسه‌ای گذاشتیم؛ هم آشنایی با دانش‌آموز، هم آشنایی با اولیا. علاوه بر یادآوری مسائل و نکات بهداشتی، از اولیا انتظار داریم که توجه و احترامی را که فضای مدرسه احتیاج دارد به فرزندشان آموزش دهند. چرا که وقتی بچه قوانین را بداند تعاملش با مدرسه خیلی عالی می‌شود.

نکته دوم اینکه اولیا باید طوری رفتار کنند که بچه حس کند اولیا با مدرسه و معلم در ارتباطند. یعنی چیزی بین معلم و اولیا مخفی نیست و هر دو یک هدف دارند. همین باعث می‌شود برای بچه راه‌گریزی وجود نداشته باشد و این تعامل باعث می‌شود که دانش‌آموز با آرامش و اعتماد بیشتری در فضای مدرسه سر کند. از اولیا می‌خواهم به من اعتماد کنند، چون من به عنوان پدر یا مادر با ارزش‌ترین دارایی خودم را به مدرسه می‌سپارم و از معلم می‌خواهم که او هم از ارزش‌هایی که به‌عنوان مادر در این سال‌ها به فرزندم یاد داده‌ام دفاع کند. تعامل اولیا و معلم باعث می‌شود بچه از نظر مذهبی ملی و ارزش‌های انسانی با همدیگر بچه را پرورش دهند که البته اگر تضادهایی به وجود آید باعث آسیب دیدن بچه‌ها می‌شود.

من توصیه دیگرم به اولیا این است که دانش‌آموز بیشتر از ۱۰۰ دقیقه حق ندارد در خانه از تلویزیون و کامپیوتر و ... استفاده کند. از نظر ذهنی هم بچه دچار آسیب می‌شود و تمرکز ندارد.

### ■ نظر شما درباره کتاب‌خوانی بچه‌ها در کلاس اول چیست؟ مدرسه چه کار می‌تواند بکند که اولیا درگیر این موضوع شوند؟

زمانی که مدرسه‌ها باز بود ما برای هر کلاس به تعداد بچه‌ها پوشه‌هایی تهیه کرده و در هر پوشه یک کتاب قرار داده بودیم. از شماره ۱. روز شنبه پوشه‌ها را بین بچه‌ها پخش می‌کردیم و من می‌گفتم سه‌شنبه این‌ها را بیاورید. هر کدام یک دفتر کتابخوانی داشتند. از آن‌ها می‌خواستیم که پدر یا مادر، اسم داستان را بنویسند و بچه‌ها نقاشی داستان کتاب و هر چی را فهمیدند بکشند. تا پایان سال هر بچه ۶۰ تا کتاب خوانده بود. من کتاب مثنوی معنوی را که آسان‌خوانی شده به زبان کودک و همچنین کلیله و دمنه را که آسان‌نویسی شده پیشنهاد می‌دهم. بچه‌ها حتی نمایش این‌ها را اجرا می‌کنند.

### ■ در مورد کلاس ساکت هم نظر تان را بفرمایید.

کلاس ساکت در واقع یعنی کلاس خاموش. اما کلاسی که جنب‌وجوش داشته باشد و پویا باشد با کلاس شلوغ فرق می‌کند. دانش‌آموز باید دغدغه اینکه الزاماً بنشیند را نداشته باشد، ولی نظم را هم باید یاد بگیرد. من معلم باید چارچوب اصلی حضور در مدرسه و کلاس را به دانش‌آموز یاد بدهم. بچه آزاد است با بغلی‌اش صحبت کند، اما نمی‌تواند برود میز آخر. باید نظم و مهارت صبر کردن را یاد بگیرد. وقتی که می‌گویم بچه‌ها به من نگاه کنید می‌داند که ۵ دقیقه باید همه حواسش به معلم باشد و حتی آب نخورد. من باید اول برای بچه‌ها امنیت را فراهم کنم چون اگر احساس امنیت کنند آرام هستند. باید

قوانین کلاس در حد فهم بچه‌ها و قابل اجرا باشد و برایشان توضیح داده شود و حتی به هم یاد دهند. گاهی در کلاس بازی داریم. مثلاً ۱ که می‌گوییم بلند شوید! ۲ که می‌گوییم دست بزنید! ۳ که می‌گوییم دست‌به‌سینه بایستید! بعضی اوقات هم جابه‌جا می‌گوییم که باعث می‌شود دقتشان زیاد شود. معلم باید توجه داشته باشد که کلاس اولی تا چه زمانی می‌تواند گوش کند.

### ■ مشکلات شایع آموزشی را با توجه به تجارب خودتان بفرمایید.

اولین مشکل خود پدر و مادرها می‌توانند باشند، چون با روش‌های آموزشی قدیم درس خوانده‌اند و خیلی آگاهی از محتوای کتاب‌های جدید ندارند؛ چه در ریاضی، چه در فارسی و چه در زبان‌آموزی. زبان‌آموزی در پایه اول مهم‌ترین بخش محتوای کلاس اول است. علوم را چون مسیرش پژوهشی است و تنوع در کار علوم زیاد است راحت‌تر می‌پذیرند. اما مشکلات آموزشی ما برمی‌گردد به دانسته‌های قبلی اولیا. من به‌شخصه، قبل از اینکه به هر مطلب درسی ورود پیدا کنم، برای اولیا کلاس می‌گذارم و آموزش می‌دهم و آگاهشان می‌کنم و بعد مثلاً نگاره‌ها را، روش کلی و اهداف کلی آن را برای اولیا توضیح می‌دهم و می‌گوییم شما باید این‌طوری با بچه کار کنید و این انتظارات را از او داشته باشید. به این صورت یک ماه از سال تحصیلی من که مختص نگاره‌هاست تضمین می‌شود. اواخر نگاره‌ها که به نشانه‌ها ورود پیدا می‌کنیم من باید برای اولیا آموزش نشانه‌ها را بگذارم و صداها را توضیح بدهم. ما باید مخاطبمان را بشناسیم.

بحث بعدی در رسم‌الخط است. رسم‌الخطها را هم اولیا نمی‌دانند. دانش‌آموزی که دچار اختلالات یادگیری است جهت‌ها را تشخیص نمی‌دهد. اولیا چون اطلاع ندارند همان را می‌پذیرند. لذا باید این اطلاعات آموزشی در مورد رسم‌الخط را هم به اولیا بدهیم.

مشکل بعدی نظارت اولیا در انجام تکلیف است. تکلیف منزل برای دانش‌آموز است و کار دانش‌آموز است. بعضی از پدر و مادرها موقع انجام تکلیف کنار بچه می‌نشینند و می‌گویند پاک کن دوباره بنویس. در صورتی که ما می‌گوییم دانش‌آموز کلاس اولی پاک‌کن نداشته باشد. اگر اشتباه نوشت رویش یک خط بکشد و کنارش زیاتر بنویسد. این کار باعث می‌شود که اعتمادبه‌نفس بچه حفظ شود. بعد که می‌رسیم به نشانه‌ها، یک ماه گذشته و اعتمادبه‌نفس دارد و حالا می‌تواند از پاک‌کن استفاده کند. متأسفانه گاهی حساسیت و کمال‌جویی خود والدین اعتمادبه‌نفس بچه را نابود می‌کند. گاهی هم بعضی اولیا بچه را رها می‌کنند و حتی تکلیف

او را نگاه نمی‌کنند و حتی متوجه اشکالاتش نمی‌شوند و کمکی به معلم برای رفع این مشکلات نمی‌کنند. مشکل بعدی بی‌انضباطی بچه‌هاست. دانش‌آموز باید یاد بگیرد و در خانه به او یاد دهد که وقتی وارد خانه می‌شود وسایلش را جای مشخص خود بگذارد. هر روز باید کیفش را تخلیه کنی که اگر توی آن وسیله‌ای نامطلوب هست بگوید. چون کلاس اولی زود فراموش می‌کند به من پدر و مادر بگوید. مشکل بعدی ترس دانش‌آموز است و یا اینکه رابطه خوبی با معلم یا والدین ندارد. همین باعث افت تحصیلی او می‌شود. ترس‌ها و مشکلات باعث می‌شود که دانش‌آموز ذهنش درگیر شود و درس را خوب یاد نگیرد. این افت تحصیلی وقتی اتفاق می‌افتد والدین و معلم باید به هم خبر بدهند و مشکل را حل کنند.

### ■ خودتان چه برنامه‌ای برای ارتباط منظم و مفید و کارآمد با خانواده‌ها دارید؟

● در فضای حضوری در اول مهر باید همان ۱۵ روز یکبار ما جلسه داشته باشیم و در جلسات سعی کنیم آموزش‌های لازم را بدهیم و زمانی هم برای صحبت و دیدار خصوصی به اولیا بدهیم.

### ■ برای تقویت فرایند یادگیری شما انتظار دارید والدین چه کارهایی را انجام دهند و از چه کارهایی بپرهیزند؟

● همان‌طور که ما به‌عنوان معلم نمی‌توانیم در شغل پدر یا مادری ورود و دخالت کنیم آن‌ها هم نباید در فضای آموزشی ما معلم‌ها ورود مستقیم داشته باشند. همین که تکالیف را ببینند، به‌موقع بازخورد بدهند، ارتباطشان را با معلم حفظ کنند و مشکلات شخصی بچه‌شان را مطرح کنند برای من معلم. وقتی این تعامل باشد و به معلم دانش‌آموزشان اعتماد داشته باشند معلم انرژی بیشتری برای آموزش صرف می‌کند. مورد دیگری که از والدین انتظار می‌رود دفاع از معلم در حضور معلم است. گاهی بچه‌ها برای جلب توجه امکان دارد که چیزی در تضاد با واقعیت بگویند. اینجا پدر و مادر باید هوشیار باشند و بگویند که من این موضوع را از معلم می‌پرسم. البته متأسفانه همکاری هم هستند که اشتباهاتی دارند که باید حتماً رفع شود.

### ■ اگر نکته‌ای باقی مانده که نپرسیدم بفرمایید؟

● مخاطب ما؛ در امر آموزش انسان است با یک روح لطیف. واقعاً معتقدم که معلمی شغل انبیاست و انبیا جانشینان خدا بر روی زمین هستند. کی جانشین می‌شود؟ کسی که نزدیک‌ترین فرد به اصل باشد. پس باید صفات خدا را بدانم و آن‌ها را در خودم تقویت کنم.